نمایش قدرت نرم جهان اسلام و بازخوانی جایگاه فراملی مرجعیت



تحولات بزرگ تاریخ، تنها در میدان‌های نبرد یا پشت میزهای دیپلماسی رقم نمی‌خورند؛ گاه یک آیین عمومی، معادلات اجتماعی و فرهنگی را آشکار می‌کند که از بسیاری رخدادهای سیاسی اثرگذارتر است. تشییع رهبر شهید را نیز باید در چنین چارچوبی تحلیل کرد. این رویداد، صرفاً مراسم وداع با یک رهبر دینی و سیاسی نیست، بلکه صحنه‌ای برای بازنمایی ظرفیت‌های تمدنی جهان اسلام، جایگاه فراملی مرجعیت و قدرت همبستگی امت اسلامی است.

آنچه این مراسم را از تشییع بسیاری از شخصیت‌های سیاسی جهان متمایز می‌کند، آن است که مخاطب آن تنها ملت ایران نیست. برگزاری مراسم در تهران، قم، مشهد و نجف، در کنار موج گسترده آیین‌های بزرگداشت در کشورهای مختلف اسلامی، نشان می‌دهد که این رخداد در چارچوب مرزهای ملی قابل تحلیل نیست. گستره واکنش‌ها از غرب آسیا تا جنوب آسیا و دیگر جوامع اسلامی، بیانگر آن است که این مراسم به بخشی از حافظه جمعی جهان اسلام تبدیل شده است.

این واقعیت، جایگاه مرجعیت را نیز از زاویه‌ای متفاوت آشکار می‌کند. مرجعیت در سنت اسلامی، تنها

نهادی برای بیان احکام فقهی نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین منابع تولید اعتماد اجتماعی، انسجام دینی و هدایت فکری امت به شمار می‌رود. تجربه تاریخی نیز نشان داده است که در بزنگاه‌های حساس، مرجعیت توانسته است میان ملت‌های مسلمان پیوندی فراتر از مرزهای سیاسی ایجاد کند. از این منظر، تشییع رهبر شهید را باید بازنمایی سرمایه اجتماعی مرجعیت در مقیاس جهان اسلام دانست؛ سرمایه‌ای که طی دهه‌ها و بر پایه اعتماد عمومی، ارتباط مستمر با ملت‌ها و حضور در مسائل کلان جهان اسلام شکل گرفته است.

اهمیت بین‌المللی این مراسم نیز تنها در ابعاد جمعیتی آن خلاصه نمی‌شود. آنچه این رخداد را به موضوعی قابل توجه برای ناظران منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل می‌کند، ظهور شبکه‌ای از همبستگی دینی و اجتماعی است که فراتر از ساختارهای رسمی دولت‌ها عمل می‌کند. حضور هیئت‌های علمی، شخصیت‌های دینی، اندیشمندان، فعالان فرهنگی و اقشار مختلف مردم از کشورهای گوناگون، نشان می‌دهد که پیوندهای جهان اسلام همچنان از ظرفیت بالایی برای شکل‌دهی به کنش‌های فراگیر اجتماعی برخوردار است.

در این میان، نباید این رویداد را صرفاً از دریچه جامعه شیعی نگریست. طی دهه‌های گذشته، بخش مهمی از گفتمان رهبری بر موضوعاتی متمرکز بوده است که دغدغه مشترک امت اسلامی به شمار می‌آید؛ از دفاع از آرمان فلسطین و حمایت از ملت‌های مسلمان گرفته تا تأکید بر وحدت اسلامی، تقریب مذاهب، مقابله با جریان‌های تکفیری و رد پروژه‌های تفرقه‌افکنانه. همین رویکرد موجب شده است که بازتاب این مراسم، تنها محدود به جوامع شیعی نباشد، بلکه در میان طیفی از نخبگان، علما و جریان‌های فکری جهان اسلام نیز به عنوان رخدادی مهم مورد توجه قرار گیرد.

از منظر مطالعات روابط بین‌الملل، این مراسم نمونه‌ای قابل توجه از «قدرت نرم» در جهان اسلام است. قدرت نرم، زمانی معنا پیدا می‌کند که یک اندیشه یا یک شخصیت بتواند بدون اتکا به ابزارهای اجبار، اعتماد و همراهی ملت‌ها را جلب کند. مشارکت گسترده مردم در آیین‌های تشییع و بزرگداشت، نشان می‌دهد که سرمایه‌های فرهنگی، دینی و اخلاقی همچنان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذاری در معادلات منطقه‌ای هستند؛ مؤلفه‌هایی که در بسیاری از تحلیل‌های سیاسی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند.

از سوی دیگر، این تشییع یادآور یکی از ویژگی‌های تاریخی مرجعیت در جهان اسلام است؛ اینکه مرجعیت، نهادی وابسته به حیات یک فرد نیست، بلکه نهادی تاریخی، پویا و استمرارپذیر است. در تاریخ معاصر نیز رحلت مراجع بزرگ، همواره به فرصتی برای بازتولید سرمایه اجتماعی، تجدید پیوند امت با نهاد

مرجعیت و تأکید بر استمرار نقش آن در هدایت فکری و اجتماعی مسلمانان تبدیل شده است. از این منظر، تشییع رهبر شهید را باید ادامه همین سنت تاریخی دانست؛ سنتی که در آن، فقدان یک شخصیت، به تقویت جایگاه یک نهاد می‌انجامد.

در نهایت، اهمیت این مراسم را باید در پیامی جست‌وجو کرد که به جهان مخابره می‌کند؛ اینکه جهان اسلام، با وجود تنوع قومی، زبانی، فرهنگی و مذهبی، همچنان حول ارزش‌های مشترک خود ظرفیت شکل‌دهی به همبستگی‌های بزرگ را دارد. اگر اربعین بزرگ‌ترین نمایش حرکت مردمی جهان اسلام است، تشییع رهبر شهید نیز می‌تواند به یکی از مهم‌ترین جلوه‌های همگرایی ملت‌های مسلمان و نمایش قدرت نرم امت اسلامی در دهه‌های اخیر تبدیل شود. این رخداد، بیش از آنکه پایان زندگی یک رهبر باشد، بازخوانی ظرفیت‌های یک امت و یادآور نقش نهاد مرجعیت در حفظ انسجام، هویت و آینده جهان اسلام است.